



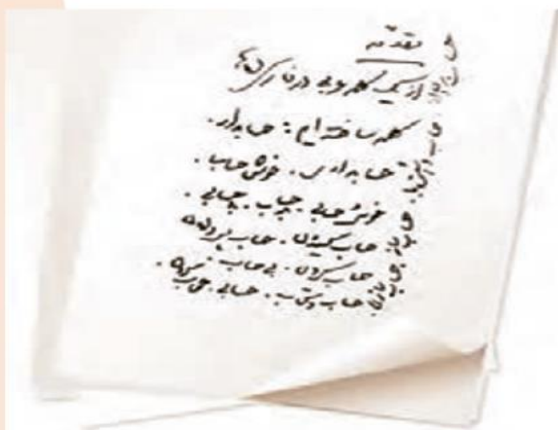
علی اکبر دهخدا در سال ۱۲۵۷ هجری شمسی در تهران به دنیا آمد. او خود را این گونه معرفی می‌کند: «پدر من خان باباخان است که سپاهی بوده و از او شمشیرها و چند عدد نیزه و خنجر و پیراهنی که آیات قرآنی در پشت و روی آن نوشته شده، بر جای مانده است. پدر من، دار و ندار خود را در قزوین فروخت و به تهران آمد. من در نه سالگی، پدرم را از دست دادم و مادرم تربیت مرا به عهده گرفت. من، علوم قدیم را از استادان مختلف فرا گرفتم. معلمین من شیخ غلامحسین بروجردی و شیخ هادی نجم آبادی بودند و من هرچه دارم بر اثر تعلیم این دو بزرگ مرد است.»



دهخدا در همان زمان به فراگرفتن زبان فرانسوی پرداخت و معلومات خویش را تکمیل کرد.

لغتنامه، مفصل ترین کتاب لغت در زبان فارسی است. دهخدا برای تألیف این کتاب، نزدیک چهل سال کوشش کرد و در این مدت، حدود صد نفر با وی همکاری داشته اند.

لغتنامه، مهم ترین و اساسی ترین اثر دهخدا است و بیشتر شهرت دهخدا به خاطر همین اثر اوست. بنا به باور بسیاری، چنین کار بزرگ و عظیمی را برای زبان فارسی به غیر از دهخدا، تنها فردوسی انجام داده بود. امروز در ایران به هر کتابخانه ای که برویم از تعداد مراجعه کنندگانی که در جست و جوی لغتنامهی دهخدا هستند، می توانیم ارزش و اهمیت این کتاب را درک کنیم.



تقریباً همی لغات فارسی و نام شهرها و روستاها و کلمات علمی و اشخاص بزرگ و حتی لغات عربی را می توان در لغتنامه‌ی دهخدا یافت. در جلوی هر کلمه ای، معنا، موارد کاربرد، طرز تلفظ صحیح، همراه با اشعار و اطلاعات دیگر آمده است. لغتنامه‌ی دهخدا در واقع یک دایرة المعارف است.

دهخدا برای نوشتن این لغتنامه، شب و روز به مطالعه و جمع آوری اطلاعات مشغول بود. آن طور که نوشته اند، وی چند میلیون یادداشت از روی متون معتبر استادان شعر و نثر فارسی و عربی، لغتنامه های چاپی و خطی، کتاب های تاریخ و جغرافیا، طب، ریاضی و علوم دیگر فراهم آورده بود. به گفته ی خود او و نزدیکانش، هیچ روزی از کار تحقیق و یادداشت برداری برای لغتنامه، غفلت نکرد مگر دو روز به خاطر درگذشت مادرش و دو روز به خاطر بیماری سختی که دچار شد.

علامه دهمدا در یکی از یادداشت‌های پراکنده‌اش برای لغتنامه، می‌نویسد: «همه‌ی لغات فارسی زبانان تاکنون در جایی جمع‌آوری نشده، هزاران لغت فارسی و غیر فارسی به کار می‌رود که تاکنون کسی آنها را گردنیاورده و اگر گرد آورده به چاپ نرسانیده است. ما بسیاری از این لغات را به تدریج از حافظه، نقل و سپس آنها را الفبایی کرده‌ایم... و این کار بی‌هیچ تأخیر و درنگی، بیرون از بیماری چند روزه و دو روز رحلت مادرم رحمه الله علیها که این شغل تعطیل شد، ادامه یافت و می‌توانم گفت که بسیار شب‌ها نیز در خواب و در بیداری در این کار بودم. چه بارها که در شب از بستر برمی‌خاستم و چراغ روشن می‌کردم و چیز می‌نوشتم. مرا هیچ چیز جز مظلومیت مشرق در مقابل ظالمین ستمکار مغربی به تحمّل این رنج سنگین و انداشت؛ چه برای نان، همه‌ی راه‌ها به روی من باز بود و نام را نیز چون جاودانی نمی‌دیدم، پاییند آن نبودم».

در میان دانشمندان معاصر ایران، باید علامه دهخدا را بزرگ مرد فرهنگ ایران دانست. او سرشار از عشق به فرهنگ وطن بود و نامی بلند در میان دانشمندان ایرانی داشت و آثار با ارزشی از خود به یادگار گذاشته است.

غروب روز دوشنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۳۴ شمسی بود. رنج و زحمت سال ها مطالعه، تحقیق و جست و جو و سرانجام، بیماری، دهخدا را از پای در آورده بود. هزاران جلد کتاب، که در مدت چهل و هشت سال با او سخن ها گفته بودند، اینک همه خاموش نشسته و استاد پیر را تماشا می کردند.

در این هنگام، دو شاگرد، همکار صمیمی و
مهربانش، محمد معین و سید جعفر شهیدی به دیدار
وی آمدند. لحظاتی چند با سکوت، سپری شد. استاد
پیر، هر چند لحظه یک بار به حالت سستی و ضعف
در می آمد و چشمانش را فرو می بست و باز به
حال عادی برمی گشت. در یکی از این لحظات،
دهخدا سکوت را شکست و گفت: «که می پرس.»
باز برای چند لحظه، همه ساکت شدند و دهخدا بار
دیگر گفت: «که می پرس»

در این هنگام، محمد معین پرسید: «منظورتان شعر حافظ است؟»
دهخدا جواب داد: «بله»

معین گفت: «استاد، می خواهید برایتان بخوانم؟»
دهخدا گفت: «بله»

آنگاه، معین، دیوان حافظ را برداشت و چنین خواند:
درد عشقی کشیده ام که می پرس *** زهر هجری چشیده ام که می پرس
گشته ام در جهان و آخر کار *** دلبری برگزیده ام که می پرس
بی تو در کلبه ی گدایی خویش *** رنج هایی کشیده ام که می پرس
همچو حافظ، غریب در ره عشق *** به مقامی رسیده ام که می پرس
اندکی پس از آن، دهخدا بیهوش شد و روز بعد به دیدار پروردگارش رفت.
آرامگاه او در شهر ری (ابن بابویه) قرار دارد.

معنی بیت های متن درس

❖ معنی بیت اول : در راه عشق دردی تحمل کرده ام که قابل بیان نیست و زهر جدایی و دوری را چشیده ام که بیان کردنی نیست.

تعداد جمله : ۴ جمله

نکات دستوری مصراع اول : جمله ی اول / فعل : کشیده ام نهاد : من مفعول : درد ترکیب اضافی : درد عشق

جمله ی دوم / می پرس حرف ربط : که فعل : می پرس نهاد : تو

نکات دستوری مصراع دوم : جمله ی سوم / فعل : چشیده ام نهاد : من مفعول : زهر ترکیب اضافی : زهر هجر

آرایه ی ادبی : این بیت آرایه ی تشبیه وجود دارد. شاعر عشق را به درد و هجران و دوری را به زهر تشبیه کرده است.

دردِ عمیق کشیده ام که می پرس زهرِ هجری چشیده ام که می پرس
گشته ام در جهان و آخرِ کار دلبری برگزیده ام که می پرس

❖ بیت ۲: در سراسر جهان جست و جو کرده ام و در نهایت دلبری را انتخاب کرده ام که قابل توصیف و بیان نیست.

تعداد جمله : ۳ جمله

نکات دستوری مصراع اول : جمله ی اول : گشته ام در جهان / فعل : گشته ام نهاد : من حرف اضافه : در / متمم : جهان

نکات دستوری مصراع دوم : جمله ی دوم : آخر کار دلبری برگزیده ام / فعل : برگزیده ام نهاد : من قید : آخر کار

مفعول : دلبر

جمله ی سوم / می پرس حرف ربط : که فعل : می پرس نهاد : تو

❖ بیت ۳: بدون تو در خانه ی درویشی و تهیدستی خود رنج هایی را تحمل کرده ام که قابل بیان نیست .

تعداد جمله : ۲ جمله

نکات دستوری مصراع اول : جمله ی اول : بی تو در کلبه ی گدایی خویش رنج هایی کشیده ام

فعل : رنج هایی کشیده ام نهاد : من حرف اضافه : بی / متمم : تو حرف اضافه : در / کلبه : متمم

ترکیب اضافی : کلبه ی گدایی / گدایی خویش

آرایه ادبی : تشبیه وجود دارد. شاعر گدایی را به کلبه تشبیه کرده است.

نکات دستوری مصراع دوم : جمله ی دوم / می پرس حرف ربط : که فعل : می پرس نهاد : تو

❖ بیت ۴: من نیز مانند حافظ در راه عشق به مقام و جایگاهی رسیده ام که قابل بیان نیست.

تعداد جمله : ۲ جمله

نکات دستوری مصراع اول : جمله ی اول : همچو حافظ غریب در ره عشق به مقامی رسیده ام

فعل : رسیده ام نهاد : من حرف اضافه : همچو / متمم : حافظ ترکیب اضافی : ره عشق

قید : غریب (غریبانه) حرف اضافه : در / متمم : ره حرف اضافه : به / متمم : مقامی

نکات دستوری مصراع دوم : جمله ی دوم / می پرس حرف ربط : که فعل : می پرس نهاد : تو

آرایه ی ادبی : آرایه ی ادبی : تشبیه (رسیدن به مقام در راه عشق مانند حافظ)

قالب شعر : غزل

رنج هایی کشیده ام که می پرس
بی تو در کلبه ی گدایی خویش

به مقامی رسیده ام که می پرس
همچو حافظ، غریب در ره عشق